خشت اول

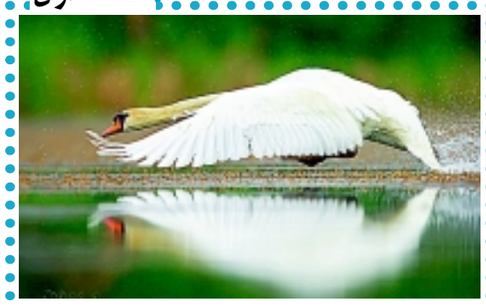

دعوای زرگری تلویزیون با خودش

به احتمال زیاد از این اتفاق‌های شاذ تنها در کشور ما رخ می‌دهد که مدیران ارشد برای فرار از پاسخگویی از مقام بدهکار ، خود را در پست طلبکار قرار می‌دهند!
خبر را بخوانید لطفا تا عرض کنم:
«معاون سیما به سه مدیر ارشد این سازمان به خاطر ساخت سریال های تلخ و ناگواری مانند «تا ثریا» ، «شیدایی» و «پنجره» تذکر جدی داد. علی دارابی، معاون سیما به سه مدیر ارشد این سازمان به دلیل ساخت سریال‌هایی با موضوعات تلخ، ناگوار و با رویکردی منفی مانند «تا ثریا» ،«شیدایی» و «پنجره» که این شب ها از شبکه های اول، سوم و شبکه تهران پخش می‌شوند به صورت کتبی تذکر جدی داد. همچنین گفته می شود علت این تذکرها از سوی معاون سیما به خاطر تلخ و گزنده بودن، اثرگذاری منفی این سریال ها بر اعصاب مخاطب، پرداخت ناقص به نمونه یک زن ایرانی محجبه و نادرستی پرداخت به روابط محرم و نامحرم در این سریال ها عنوان شده و به همین خاطر دستور خاتمه این سریال ها نیز اعلام شده است.»
یک: اینکه آقای معاون محترم سیما در جریان پخش این سریال ها و بعد از نقدهای رسانه ای و نزدیک دو سه قسمت آخر، به فکر تذکر جدی افتاده اند؛ اصولا مبنای پست مدیریتی ایشان را زیر سوال می برد. با این حال اگر قبول کنیم که اینطور باشد ایشان در جریان نبوده اند و بعد از یکماه تازه دریافته اند که این سریال ها بد است و در جهت سیاست های ایشان نیست؛ بازهم این سوال پیش می آید که در سازمان رسانه محترم ملی؛ مراحل از طرح تا تولید یک مجموعه شبانه در کجا انجام می شود؟ چگونه است که معاون سیما در جریان قرار نمی گیرند!؟ چطور می شود که در مسیر طی این مراحل که اصولا بالغ بر چندماه طول می کشد؛ هیچ کسی از محتوای این مجموعه ها خبردار نمی شود؟
دو: چطور می شود که دو مجموعه شبانه خیلی اتفاقی یک خط داستانی شبیه به هم ـ عقد و زندگی پنهانی دو نفر ـ داشته باشند؟ آقای معاون گویا زیاد در جریان امور سیما و آنچه خود را نسبت به آن بسیار حساس می داند؛ نیستند یا اینکه مدیران زیرمجموعه شان به خوبی ایشان را دور می زنند و بیت المال را صرف مجموعه هایی می کنند که اصلا در جهت سیاست های معاونت سیما نیست!
و دراین باره گفتنی ها زیاد است اما «تذکر جدی» معاون محترم سیما خود حدیث مفصل مدیریت ممتاز در «رسانه ملی» است... البته ایشان دستور داده‌اند که دیگر از این سریال ها ساخته نشود اما شک نکنید چندماه دیگر باز هم چنین مجموعه هایی روی آنتن می رود و تازه بعد از پخش هم مراسم تقدیر و تشکر آن برگزار می شود!
مانند ماجرای حضور نجف‌زاده در فرانسه و بعد اخراج وی و جایگزینی یک خبرنگار دیگر که حالا بعد از ۶ ماه معلوم نیست آنجا چه فعالیت خبری انجام می‌دهد! البته اشکال از ماست که پیگیری می کنیم مگر کسی از خبرنگاران واحد مرکزی خبر در بلژیک، مالزی، آلمان و باقی کشورهای دنیا به ویژه کشورهای پرخبر، خبری دارد که حالا از خبرنگار فرانسه داشته باشد؟ همه هنر واحد محترم مرکزی خبر ما جمع می‌شود در یک مستند دهه فجری و بس ولی آقای معاون سیما و دیگر مدیران رسانه ملی همواره از تهاجم فرهنگی و جنگ نرم و حملات سنگین و خاموش رسانه‌های غربی می‌نالند! به نظر شما آقایان نباید به جای گلایه از مدیران خودشان، خودشان یک دور ریست شوند؟

■ محسن حدادی

ساعت ۲۵

سلام خانوم جون!
دلتنگیامو واست آوردم
قربون سفیدیه چارقدت که برف زمستونمه بی‌بی قربون داغی استکان چایی که بادستات می ریختی و گرمای تابستونمه
قربون حنای نارنجی موهات که برگریزون پاییزمه و سبز چشمات که گلریزونه بهارمه
ای کاش بودی تو چین چین دامنت گم می‌شدم تا پیدا کنم خاطره های گم شده کوچه پس کوچه های بچه گی هامو...ای کاش بودی و پیدا می کردم لا به لای چین های دستات جاده ی نوازش رو...دلم تنگه عطر یاس و رازقیه؛ همونی که هر صبح مهمون سجاده نمازت بود. سرم بهونه میگیره زانوهات رو برای آرامش ابدی با تو بودن...یه شب از بهشت مرخصی بگیر بیا تو خوابم تا سفر کنیم با هم تو دنیای محبت رو، من خیابونای خاطره...

یک چکه اینترنت

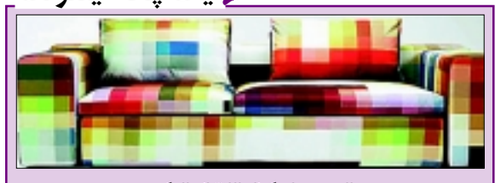

الهی هب لی کمال الانقطاع الیک...
مستم کن آنچنان که ندانم زبیخودی
در عرصه خیال که آمد کدام رفت
❋
خدایا! آرامش را همچون دانه های برف، آرام و بی صدا
بر سرزمین قلب های ما ببار!
❋
نگه داشتن دوست مثل نگه داشتن آب توی دست است، فکر می کنی
نگه داشتی اما وقتی دستت رو باز می کنی می بینی
هیچی ازش نمونده جز خیسی خاطره ها...
❋
چون وا نمی کنی گرهی، خود گره مباش
ابرو گشاده باش گر دست ناگشاده ای
❋
بارخدایا! از کوی تو بیرون نرود پای خیالم...نکند فرق به حالم...
چه برانی چه بخوانی چه به اوجم برسانی چه به خاکم بکشانی...
نه من آنم که برنجم نه تو آنی که برانی...

سوژه بدهید، صفحه تحویل بگیرید!
علاوه بر ایمیل میرزا با این شماره با ما تماس بگیرید: ۳۳۹۴۱۹۹۱
برای رویت «انتهای کیفیت» به نسخه پی دی اف
در سایت کیهان و صفحه نسل سوم مراجعه کنید:
WWW.KAYHANNEWS.IR

گفتگوی نسل سوم با سه فعال فرهنگی - اجتماعی درباره سینمای ایران

این جشنواره واقعا ۳۰ ساله است؟

هنوز در تعریف مفاهیم مانده‌ایم اما اعتماد به نفس‌مان زیاد است!

جشنواره فجر همچون جوانی رعنا؛ حالا سه دهه از عمر خود را در عرشه کشتی انقلاب از سرگذرانده و در آغاز دهه چهارم انقلاب، سی سالگی اش را جشن می گیرد؛ جشنواره‌ای که تحویل سال سینمای انقلاب است و نه سینمای ایران. ویترین سینمای انقلاب ۳۳ساله حضرت روح الله(رض) است و از همین رهگذر نگاه‌های بسیاری هرسال بهمن ماه که می شود با دقت و ظرافت محصولات سینمای انقلاب را بر پرده جشنواره نظاره می کند و در این میان نسل ما هنوز سرگردان ژست‌های افتتاحیه و اختتامیه هر دوره است؛ ژست‌های انقلابی ابتدایی و انفعالی انتهایی... و البته که سینمای کشور شبیه به برخی حوزه‌های دیگر فرهنگی چند سالی است خیلی آرام آرام، از دست رفته و تبدیل به «هنر برای هنر» شده است؛ برای همین هم گاه بعد از ۳۳ سال گذر عمر انقلاب، همچنان نشست‌ها و همایش‌ها و سخنرانی‌ها بر سر مفاهیم اصلی هنر انقلاب، نزاع دارد... امسال اما گویا جشنواره با جراحی اقتصادی کمی همراه شده و بوی هدفمندسازی گرفته. نشانه‌اش هم انتخاب یک شعار مهم و کاربردی برای «سینمای انقلاب» است. گفت وگوهای سه گانه امروز شرحی بر وضعیت سینمای کشور و ویترین جشنواره و شعار آن است؛ جشنواره‌ای که از فردا شروع می‌شود و به نظر در اختتامیه مثل همیشه، همه، حیران خواهند شد!

■ مریم یارقلی

همه فیلم‌ها، تهرانی شده‌اند

«زهرا امین مجد»، عضو هیئت علمی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان در خصوص انتخاب شعار «اخلاق، آگاهی و امید» برای جشنواره سی ام فیلم فجر معتقد است: «مشکل اینجاست که شعارهایی که برای جشنواره ها در نظر گرفته می شود در بیشتر مواقع اجرایی نمی شود و متاسفانه نمی توان در این زمینه امیدوار بود که از این شعارها به نحو احسن استفاده شود به خصوص در حوزه فیلم و سینما در کشور این معضل مضاعف است البته انتخاب شعار مناسب جشنواره قابل تقدیر است اما عبور از شعار به رهگذر اجرا و عمل مهم‌تر است.»
امین مجد اضافه می کند: «علت این ناامیدی عملکردی است که مشاهده می کنیم، عملکرد مطلوبی نیست و چه در جایگاه یک کارشناس مسائل حوزه زنان وخانواده و یا یک کارشناس متخصص، نمی توان در زمینه تولیدات سینمایی قضاوت مثبتی داشت و آن را همخوان با اهداف کلان در این حوزه دانست که حتی گاه در تضاد با اهداف عمل می کند.»
او این را هم اضافه می کند که «متاسفانه سیاست های کلی حاکم بر سینما (آنچه ما آن را به عنوان دستاورد می شماریم) مجموعه ای از سیاست‌ها و تصمیماتی است که در جهت تأمین اهداف کلی نظام و انقلاب نیستند و در اکثر مواقع تناقضات زیادی با یکدیگر دارند. مثلا فیلم جدایی نادر از سیمین که بسیار مورد توجه و نقد و بررسی قرار گرفت و به اعتقاد بنده از لحاظ کیفیت ساخت، فیلمی در خور توجه و قابل قبول است و جزء معدود فیلم هایی است که میزانسن دارد و کارگردان این فیلم از تکنولوژی صنعت سینما بسیار خوب استفاده کرده است، اما متاسفانه این کارگردان نیز مانند بقیه سینماگران در حوزه عفاف و حجاب کوتاهی کرده است و علاوه بر اینکه حوزه خانواده را نیز نادیده گرفته است، در بازنمایی خانواده و پیش داوری هایی که به شرایط خانواده ایرانی الصاق شده است و سیاه نمایی ای که از وضعیت خانواده های ایرانی در این فیلم دیده می شود که واقعا تصویر واقعی جامعه کنونی ما نیست و نمی توانیم آن را به عنوان برآیندی از خانواده های ایرانی بدانیم به وضوح شاهد این مسئله هستیم که درون مایه فیلم جدایی نادر از سیمین روح دینی ندارد.
وی البته این فیلم را یک اثر قوی سینمایی می‌داند که نتوانسته رگه‌های درستی از جامعه امروز را به نمایش بگذارد و در ادامه می گوید: «همان طور که مقام معظم رهبری نیز در بیانات شان ابراز می دارند، مشخص است که در حوزه اخلاق در سینما، ما با وضعیت مطلوبی مواجه نیستیم و ایشان این حوزه را بسیار مورد نقد و بررسی قرار داده اند چون با قله مقصود سینمای انقلاب فاصله داریم.»
مجد در مورد فیلم «اسب حیوان نجیبی است» نیز اینگونه تحلیل می کند: «این فیلم خط شکنی های بی شماری داشته است و بازنمایی های بسیار ناصحیحی در مورد بانوان و خانواده در این فیلم به چشم می خورد. این خط شکنی ها و هنجارشکنی ها در فضای دینی کشور ما که فضای غالبی است، امر مناسبی نیست و با نگاهی کلی می‌توان گفت که محصولات سینما که نماینده تفکرات سینماگران هستند، با توجه به فضای اخلاق گرای جامعه ایران، بسیار ناامیدکننده است و نمی توان امیدوار بود در چنین فضایی شعارهایی که در این حوزه انتخاب می شود، به هدف برسد.»
مجد در خصوص سی سالگی جشنواره فیلم فجر هم می گوید: «واقعیت سینمای ما با آنچه که ایده آل خوانده می شود، فاصله زیادی دارد و در بحث فلسفه هنر، ماهیت رسانه ترویج ارزش های اخلاقی در جامعه است؛ حال سوالاتی مطرح می شود مانند اینکه آیا این توان را دارد که با توجه به سیاست های داخلی به بازنمایی صحیحی از اخلاق نائل شود و سیاست های سلطه غرب را از تولیدات خود حذف کند و آیا می تواند در حوزه تحول فرهنگی و ارزشی مفید واقع شده و گام موثری را بردارد؟»
وی با تاکید بر نظرات امام راحل(ره) مبنی بر اینکه رسانه تصویری ما باید دانشگاه اسلامی باشد، اظهار می کند: «باید برای تحقق بخشیدن به اهداف آرمانی نظام دینی به تبلیغ ارزش هایی دینی بپردازیم و سینما یکی از این جنبه های مورد ذکر است اما در وضعیت کنونی متاسفانه سینما از آرمان های اصلی ما فاصله گرفته است؛ برخی سازندگان و برنامه سازان آثار سینمایی در تلاش برای قبول و شناخت فضای سینمایی کشور نیستند و تصور می کنند شرایطی که در پایتخت کشور وجود دارد، وضعیت تمام مردم کشور است و به دلیل این باور، مدام در محصولات رسانه ای این فضای ناصحیح را به تصویر می کشند یا نقد می کنند و یک دوره گذار را مورد بررسی قرار می دهند و در نهایت به یک دوره آرمانی و مدینه فاضله نائل می شود که با واقعیت ها تفاوت بسیاری دارد و یا اینکه با بی توجهی به مسائل ارزشی در خانواده های ایرانی به ساخت و تولید محصولات تصویری می پردازند.»
مجد با اشاره به اینکه اگر سینماگران خود افراد متعهدی نباشند، می توانند به نقش اخلاق در سینما آسیب برسانند، گفت: اگر برنامه سازان سینمایی نسبت به ارزش ها و فضایی که در آن مشغول به تولید آثار هستند، متعهد شوند و بر این مسئله تاکید کنند که این هنر یک حوزه بین رشته‌ای است و قائل به دین ستیز بودن هنر هفتم نباشند، مشکلات ناشی از آثار ضدارزشی حل می شود و تا زمانی که این اتفاق نیفتد و دغدغه های دینی در محصولات سینمایی مطرح نشود، همچنان شاهد تولید محصولات سخیف و مبتذل خواهیم بود.»
وی با انتقاد از نگاه آماری میان مدیران فرهنگی، به جشنواره فیلم کوثر اشاره می کند و توضیح می‌دهد: «این جشنواره که با هدف ساخت آثاری در حوزه زنان و خانواده برگزار شد، بسیار کمیت محور بود و مسئله و دغدغه اصلی سازندگان این بود که چه تعداد فیلم نامه در این حوزه وجود دارد در حالی که کیفیت آثار در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل همچنان خلأ ژانرهای خانوادگی در آثار رسانه‌ای وجود دارد؛ بحث خانواده یکی از محوری ترین بحث های فرهنگی کشور است که متاسفانه این مسئله در آثار سینمایی کمتر مورد توجه واقع شده است و با توجه به اینکه رسالت سینمای ما در این است که باید خانواده محور و دین محور باشد، مورد اغفال قرار گرفته است.»
به اعتقاد مجد «تمام ضعف‌هایی که در حوزه فرهنگ و جامعه شاهد آن هستیم، به دلیل بی توجهی به مسئله خانواده است که این مهم در سینما نیز نادیده گرفته می‌شود و به عنوان یک ژانر موثر در آثار سینمایی تعریف نشده است.»
وی همچنین تصریح می کند که به دلیل مشغله های زیاد امکان رفتن به سینما را ندارد و آخرین فیلمی که تماشا کرده «ورود آقایان ممنوع» بوده است.
او درباره این فیلم می گوید: «علی رغم اینکه این طور تصور می شود که در این فیلم تلاش شده است به حوزه مذهبی اشاره ای شود، به عقیده بنده این فیلم تاکید بر عقاید فمینیستی و مردگریز بازیگر زن دارد و اصلا برداشتی از یک تیپ مذهبی نیست و در واقع سعی شده است تا به وسیله این تیپ شخصیتی مردستیز، ارزش های مذهبی بر مسند نقد گذاشته شود. چرا که پوشش این تیپ شخصیتی یک پوشش مذهبی است و برای مردم عادی اینطور بیان می شود که پوشش دینی این شخصیت منجر به خلق رفتارهای فمینیستی و مردگریز شده است و درجهت تخریب چهره یک زن مذهبی حرکت می کند و جنبه منفی خود را نشان می دهد.»

*

فیلم ایرانی نداریم

«ابراهیم فیاض»، جامعه شناس و استاد دانشگاه هم نظرات جالبی در خصوص انتخاب شعار «اخلاق، آگاهی و امید» برای جشنواره فیلم فجر دارد و می گوید: « با توجه به اینکه فیلم های ایرانی بعد از انقلاب غالبا سیاه نمایی بوده و عنصر «امید» در آن کمرنگ بوده است و به دلیل آنکه در سیاه نمایی رئالیست، فضایل اخلاقی، مطرح نمی‌شود؛ باید منتظر ماند و دید این شعار مناسب و مفید و مورد نیاز سینمای امروز کشور، امسال تا چه میزان اجرایی می شود.»
این جامعه شناس درباره انتظارات از سی امین جشنواره فیلم فجر نیز می گوید: «انتظاری که از این جشنواره می رود در نام آن گنجانده شده و مشخص است. جشنواره ای که امسال سی ساله شده است یعنی یک نسل آن گذشته و باید بررسی کنیم که آیا سینمای ایران توانسته با ساختاری که انقلاب اسلامی و دهه فجر ترسیم کرده است هم جهت و همخوان شود؟ آیا وقتی «اسکار» رویای آمریکایی سینما را متبلور می کند باید بررسی کرد که آیا این جشنواره هم ایران اسلامی را متبلور می کند یا خیر؟»
وی با اشاره به اینکه باید اهالی فرهنگ و نخبگان دانشگاهی در مورد سینمای ایران نظر بدهند و نه یک عده خاص، اضافه می کند: «نباید جشنواره فجر فقط در نمایش فیلم خلاصه شود، بلکه باید سمینارهایی در آن برگزار شود که درباره فیلم ها و روند تولید محصولات سینمای ایران بحث و بررسی شود و درباره موضوعاتی مانند اینکه «چقدر مفاهیم برخاسته از نظام و انقلاب در سینما حضور دارد»، « سینمای انقلاب اسلامی در شان این نام حرکت کرده؟« یا اینکه »چرا سینمای دیجیتال در ایران نیست؟» و «سینمای ایران از کجا به کجا رسیده است؟» و ... گفت و گو شود و به حل مشکلات سینما بپردازند.»
این جامعه شناس اضافه می کند: «چرا بعد از سی سال هنوز علی حاتمی بزرگ سینمای ما است و کسی جای او را پر نکرده است؟ فیلم مادر کجا و جدایی نادر از سیمین که سال گذشته برگزیده شد کجا؟ که اصلا قابل مقایسه باهم نیستند. چرا سینمای ما باید به اینجا برسد؟ به نظر من حرکت در این مسیر خطاست؛ مسیری که در جشنواره متولد می‌شود و ریل حرکت سینمای کشور در سال بعد را مشخص می کند.»
فیاض درباره جای خالی برخی ژانرها در سینمای ایران نیز معتقد است«فیلم هایی با موضوعیت خانواده، عشق ایرانی و خاطرات عاشقانه پاک که مهم ترین بنیاد فرهنگ ایرانی است و همچنین عشق زن و مرد ایرانی که درون خانواده و در آثار فرهنگی – ادبی ایران متجلی می شد در سینمای امروز ایران کمرنگ است همچنین مارکسیست زدگی سینمای ایرانی قبل و بعد از انقلاب مصیبت ایجاد کرده است.»
وی در خصوص آخرین فیلم سینمایی که مشاهده کرده است نیز به فیلم «یه حبه قند» ساخته رضا میرکریمی اشاره و تصریح می کند: «این فیلم واقعا شاد و پر از رنگ و عاطفه و عشق ورزی بود.»
این جامعه شناس همچنین مشکلات امکانات در سینمای کشور را نیز مد نظر قرار می‌دهد و این ضعف‌های سخت‌افزاری را در انحراف مسیر سینما و قهر مردم با سینمای قابل قبول و متناسب با انقلاب را بی تاثیر نمی‌داند.

با کارشناس مذهبی خودمان را گول نزنیم!

«فریبا علاسوند»، عضو هیئت علمی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان اما نظرات متفاوتی درخصوص جشنواره شعار سی امین جشنواره فیلم فجر داردو می گوی: «در حوزه مفهوم اخلاق و جایگاه آن در ساخت آثار رسانه‌ای و سینمایی به عنوان یک امر متافیزیکی، دو آسیب وجود دارد، که یکی از آن ها این است که رسانه داخل کشور نمی تواند مفهوم اخلاق را به درستی تصویرسازی کند.»
وی با تاکید بر اینکه این ضعف رسانه است که جلوه پردازی درباره یک معنا را نمی تواند انجام دهد، اضافه می کند: «یکی از معضلات بزرگ سینمای ما این است که تصور می کند اگر در انتهای تولیدات خودنام کارشناسان مذهبی ذکر شود، نگرانی های ناشی از رعایت چارچوب های مذهبی و اخلاقی در فیلم ها رفع می شود. در حالی که این تصوری واهی است و این وظیفه را نباید تنها به عهده کارشناسان مذهبی گذاشت، بلکه انتزاعی و متافیزیکی اخلاق را به بهترین شکل به تصویر می کشد اما رسانه داخلی ما عملا این مسئله را به صورت غنی و حرفه ای انجام نداده است و در این رسانه ما شاهد تصویرسازی صحیح از مفاهیم اخلاقی همچون توکل یا صداقت نیستیم و این یک ضعف جدی در عرصه سینمای داخلی کشور است که از زمان سناریونویسی آغاز می شود و تا باقی شاخه‌های تولید ادامه می یابد.»
علاسوند در اشاره به دومین آسیب موجود در بحث اخلاق در رسانه و یا سینما نیز معتقد است «ضعف تصویرسازی در پروسه اخلاقی شدن، دومین آسیب توقع حضور عنصر مفهومی اخلاق در سینما است و ما در بعضی مواقع شاهد این مسئله هستیم که رسانه تصویری ما فرایند بد شدن یک انسان را به تصویر می کشد و آن را پروبال می دهد.»
وی توضیح می‌دهد: «ممکن است در سریال های تلویزیونی یا فیلم های دو ساعته، روند بد شدن یک آدم یا انعکاس اخلاق ضدارزشی نمایش داده شود که این مسئله در ارتباط با اخلاق و رفتارهای صحیح و خوب صورت نمی گیرد و رسانه ما ترجیح می‌دهد که با پند و اندرز و نصیحت گویی این مشکل را رفع کند. در حالی که اکثر کارشناسان حوزه اخلاق به وضوح بر این موضوع واقف اند که نصیحت گویی و موعظه در اکثر مواقع تنها راه خلق مفاهیم اخلاقی نیست، بلکه برای ترویج مفاهیم اخلاقی به مخاطبان نیازمندیم تا به صورت سیستمی و فرایندی یک مجموعه اعمالی صورت گیرد تا به مرور زمان این عادت در میان مخاطبان ما شکل گیرد.»
وی اینگونه این مساله را توضیح می‌دهد که «رسانه داخلی ما این مورد را نادیده می انگارد و در نتیجه مخاطب ما نمی تواند مفاهیم اخلاقی استنباط شده از رسانه را در زندگی شخصی خود به کار گیرد. در حالی که در مقابل اخلاق حسنه، مسائل ضداخلاقی همچون دروغ گفتن، خیانت، عهدشکنی و عدم وفاداری با جزئیات و حتی با اتکا بر هنرپیشگان مورد علاقه و پسند مردم، به وفور به تصویر کشیده می‌شود.»
علاسوند با بیان اینکه این دو آسیب به صورتی جدی در فضای رسانه های تصویری ما به چشم می خورد، اضافه می کند: «یکی از معضلات بزرگ سینمای ما این است که تصور می کند اگر در انتهای تولیدات خودنام کارشناسان مذهبی ذکر شود، نگرانی های ناشی از رعایت چارچوب های مذهبی و اخلاقی در فیلم ها رفع می شود. در حالی که این تصوری واهی است و این وظیفه را نباید تنها به عهده کارشناسان مذهبی گذاشت، بلکه تولیدکنندگان رسانه ای نیز در این امر شریک اند و تا زمانی که تولیدکنندگان به صورت حرفه ای به سینما نگاه نکنند و با استفاده از تکنیک های تصویرپردازی یک نقش اخلاقی را ایجاد کنند، اخلاقی بودن رسانه محقق نمی‌شود. »
وی با تاکید بر اینکه کارگردانان نیازمند همیاری کارشناسان مذهبی در فرایند تولید فیلم ها هستند، ادامه می‌دهد: «تاکید بر مسئله اخلاق در سینما به این معنا نیست که نیازی نیست تا کارگردانان ما از کارشناسان مذهبی در خصوص مفاهیم اخلاقی در آثارشان مشورت بگیرند، بلکه باید تاکید کرد که استفاده از مباحث اخلاقی در تولیدات رسانه ای تنها با حضور کارشناسان مذهبی تحقق نمی یابد و باید بر این مسئله واقف بود که اخلاق یک مجموعه به هم پیوسته است که باید به صورت کلی منعکس شود و زمانی می توانیم فیلم اخلاقی بسازیم که از نظر ذهنی، آگاهی و کارشناسی بدانیم که این اخلاق خاص به دسته دیگر از اخلاق ها وابسته است و اگر مفاهیم و رفتارهای وابسته به آن را نشناسیم نمی توانیم موفق باشیم. در تولیدات رسانه ای در بیشتر مواقع آدم هایی به نمایش گذاشته می شوند که مخاطب در دوراهی رفتار و عملکرهای آنان قرار می گیرد و نمی تواند تشخیص دهد که اعمال این آدم ها صحیح است یا ناصحیح. در چنین شرایطی ما شاهد تشویش در رفتار اخلاقی جامعه خواهیم بود و برای همین بازار تولیدات ضد اخلاقی گرم‌تر از تولیدات کلیشه‌ای و غیر حرفه‌ای اخلاق مدار می‌شود.»
علاسوند در باره سی امین سال برگزاری جشنواره فیلم فجر نیز می گوید: «اگر این جشنواره فیلم فجر است، باید ارتباط آن با انقلاب و دهه فجر مشخص شود و باید تعیین شود که چه ارزش هایی از ارزش های انقلاب اسلامی را بیان می کند و چه جامعه ای را به عنوان جامعه انقلابی بازنمایی می کند. جشنواره فیلم فجر احتیاج دارد مورد بازنگری قرار گیرد و اهداف و خط مشی هایش متناسب با خواسته هایش پیش رود و ارزش های نسل انقلاب را به درستی در ارزش های نسل بعد بازتولید کند و باید مشخص شود که آیا در دوره های گذشته در این امر موفق بوده است یا خیر؛ اما انتخاب شعار صحیح و مورد نیاز می‌تواند تا حدودی نمایشگر جهت گیری و هدف گذاری برگزار کنندگان جشنواره باشد و این امیدواری را پدید آورد که در آینده سینما در مسیر این شعارها حرکت کند.
عضو هیئت علمی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان در زمینه جای خالی ژانرهای سینمایی در جشنواره فجر نیز خاطرنشان می کند: « متاسفانه در ژانر خانوادگی برای نشان دادن الگوی صحیح و مثبت خانواده به درستی عمل نشده است و معمولا در رسانه ها این مسئله بسیار گیشه محور است و در بعضی مواقع به امر کپی برداری بسیار غیرماهرانه از تولیدات سینمای غرب منجر می‌شود و بر همین اساس از نقش فرهنگ سازی در حوزه اخلاق جدا می شود. ضمن اینکه ساخت فیلم هایی با موضوعات اجتماعی از حوزه های مطرح و بسیار گسترده است که نباید نادیده گرفته شود. این حوزه با توجه به شتاب جهانی‌شدن در همه جوامع و البته ایران، نیازمند توجه دقیق و ظریف است.»

نقطه سر خط!

دقت کردید در این سه مصاحبه ما همچنان بر سر «باید و نباید» ها متوقف شدیم و نشد اصلا به ساحت اصلی داستان برگزاری یک جشنواره بین المللی از پنجره یگانه انقلاب مقتدر قرن، اشاره کنیم و متاسفانه این ماجرای درجازدن در توضیح و تشریح مفاهیم و ارتباط‌دادن آن با انقلاب اسلامی در سایر حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی و...هم دیده می‌شود؛ اگر باور نداشتید سری به جشنواره‌های رنگارنگ فجر از «تئاتر و سینما تا موسیقی و تجسمی» بزنید تا حساب دستتان بیاید. خودمان البته سوغاتی خوبی از ۱۰ روز جشنواره تئاتر و فیلم برایتان مهیا می کنیم. راستی دقت کرده‌اید این پوستر جشنواره چقدر خوب مایه انبساط خاطر است؟ به نام والدین جشنواره نگاه کنید تا بهتر هنر طراح و مسئولان برگزاری جشنواره در چشمتان بنشیند!

یادداشت سوم

«مدیریت قلب ها یا مدیریت ثروت ها» شاید بارها با خود اندیشیده ایم که سلطه شرکت های چند ملیتی کار رابرای مدیریت ابرقدرت های پوشالی بردهکده جهانی آسان کرده است و شاید پیش خودمان گمان می کردیم که پایان لیبرال دموکراسی پایان تاریخ باشد! مگر نه این که شرکت های چند ملیتی باثروت های کلان خود رسانه های جهانی را در زیر چتر سلطه خود قرار داده اند و در نتیجه با شگردهای تبلیغاتی فراوان علاوه بر القای احساس نیاز کاذب به کالاهای تبلیغاتی بر جوامع و به تبع آن فروش و سود بیشتر، افکار ملت ها را هم جهت با اهداف شوم خود مدیریت می کنند. البته این تمام ماجرا نیست چرا که احزاب نیز با پشتیبانی و تبلیغات این شرکت ها به قدرت می رسند و طبیعتا برای بقای خود باید منافع حامیانشان را نیز تامین کنند و همسو با اهداف ثروتمندان قدم بردارند و این یعنی سلطه عده بسیار کمی چپاولگر بر مردمی که خودشان ناخوداگاه بر این چرخه معیوب تاثیر مثبت می گذارند... «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیرو مابانفسهم سوره رعد؛ آیه۱۱» اما این چرخه معیوب با اتفاقاتی که در گوشه و کنار این دهکده جهانی رخ داده است ذهن ما را دچار پارادوکس می کند. نمونه اش جنبش بیداری اسلامی در کشورهای منطقه و وال استریت در قلب دنیای امپراطوری غرب است! مسئله اینجاست که مدیریت استعمارگرایانه برای ربات ها طراحی شده نه انسانهای ذی شعور، بنابراین چنین چرخه ای با همان سرعت تصاعدی رو به رشدش قطعا رو به اضمحلال و نابودی خواهد رفت، چرا که هرچه غیر از حق و حقیقت است نابود شدنی است؛ «ان الباطل کان زهوقا سوره اسرا؛ آیه ۸۱» آیا راز مدیریت موفق جامعه بشری می تواند چیزی به جز حق و حقانیت باشد و آیا حقیقتی سبزتر و جاودانه تر از حسین(ع) سراغ دارید؟ وجود مبارکی که می گفت: اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید! و این شعار چقدر بافطرت ما انسان ها آشناست. گوش کنید ...گویی همه و همه زمزمه می کنند، حتی عده ای فریاد می‌زنند!
سیاه و سفید، مرد و زن، غرب و شرق: هیهات منّا الذله... و این کدام مدیر موفق جهانی است که توانسته این گونه بر قلب ها حکومت کند به جز حسین (ع)؟ و تو ای مولا و مقتدای ما در فراسوی چشمانت چه بود که «والله یهدی من یشاء» را متجلی ساختی و امروز بعد از قرن ها هنوز با نگاهت از زبیریان دل می بری و فوج فوج آزادگان را حرگونه به میدان مقاومت می کشی؟ و آیا دل های شکم پارگان از آتش پر شده است که نگاه گویا و کلام نافذ تو بر دل هاشان نمی نشیند؟ «ان الذین یاکلون اموال الیتمی ظلما انما یاکلون فی بطونهم نارا وسیصلون سعیرا سوره نساء؛ آیه ۱۰» و البته می دانم که این گونه «و یذل من یشاء» را به تصویر کشیده ای! آری دیروز شما را تنها گذاشتند، اما امروز یک جهان به ندای «هل من ناصر ینصرنی» شما لبیک می گویند. آری دیروز شما اندک بودید، اما مدیریت حسین (ع) امروز شعار «هیهات منّا الذله» را جهانی کرده است و امروز ما ۹۹ درصد هستیم. باور کنید ...باور کنید... ...آری پایان تاریخ ادامه مکتب سرخ حسین(ع) یعنی پایان سبز انتظار است.

■ نجمه موسوی

بوی بارون

به نام عشق که زیباترین سر آغاز است
هنوز شیشه عطر غزل درش باز است
جهان تمام شد و ماهپاره های زمین
هنوز هم که هنوز است کارشان ناز است
هزار پند به گوشم پدر فشرد و نگفت
که عشق حادثه‌ای خانمان بر انداز است
پدر نگفت چه رازی است این که تنها عشق
کلید این دل ناکوک ناخوش آواز است
به بام شاه و گدا مثل ابر می‌بارد
چقدر عشق شریف است و دست و دل باز است
بگو هر آنچه دلت خواست را به حضرت عشق
چرا که سنگ صبور است و محرم راز است
ولی بدان که شکار عقاب خواهد شد
کبوتری که زیادی بلند پرواز است ...

■ سعید بیابانکی

طعم گیلاس

من هم همین را گفتم بهش، گفتم ببین دلت چه می گوید، خودت هم بودی همین را می گفتی... یادت هست؟ همیشه می گفتی دل یعنی قلب و قلب هم مصدر قلَبَ است یعنی دگرگون کردن. می گفتی دل اگر بخواهد کاری بکند یک لحظه می‌تواند تمام وجود را به هم بریزد، اگر خدایی باشد.
می گفتی به دلت گوش کن زهرا، همان آخری‌ها وقتی می‌آمدم بهانه بگیرم، و وقتی گوش می کردم، می‌دیدم دلم تویی، می‌دیدم صدای دلم صدای توست اصلا اگر تو دل من نبودی، من که بودم؟
دل را که می گرفتم، تو را می گرفتم... حالا خوب است که هیچ نمی گویی وگرنه می گفتی پاشو، پاشو خودت را لوس نکن، مجنون شده است برای من. اصلا مجنون، تو شدی، مجنون مجنون.
می گفتی زهرا نمی‌دانی این عشق چه حالی می‌دهد به زندگی آدم؟ و من اخم می کردم و می گفتم پس من چی؟
راستی جزایت را هم گرفتی آخر. خودت هر شب که واقعه را می‌خواندی، می‌رسیدی به این آیه، بلند بلند تکرار می کردی: «و حور عین» و بعدش که می رسیدی به «جزاءً بما کانوا یعملون»
در مقابل نگاه های چپ چپ من، می‌خندیدی و: «خب می‌خواهم بروم جزایم را بگیرم!»
می گفتی اگر با من آمدی که به تکامل برسی حالا تکاملت از من گذشتن است؛ و حالا نوبت من بود می گفتم پاشو، پاشو خودت را لوس نکن، مجنون شده است برای من! اما تو برای من، مجنون نشدی محمد... خوب خودت را لوس کردی برای آن کسی که باید می کردی، خوب خودت را نشان دادی... یادت هست خیلی که اصرار می کردم می گفتی مگر می‌خواهم بروم بمیرم؟ تو چه رویی داشتی یا من نمی‌فهمیدم؟
– خانم، بشورم؟
آب را می‌ریزد از«شین» شهید تا «میم» آماده‌ایم و هی جارو را می کشد روی محمد و سعی می کند آب را از چالی «میم» تا «دال» بریزد بیرون.
– دستت درد نکنه، خوب شد.
نوازشت می کنم محمد، محمد من، که محمد من نشدی آخر تو، گفتی از من دل بکن! می گفتی نگاهت نمی گذارد خمپاره ها بیایند طرف من... گفتی از علی اکبر که بالاتر نیستم، امام حسین(ع) نگاهش را از علی برداشت، آن وقت تو همچین مرا سفت چسبیده‌ای که انگار تحفه‌ام!
به خدا تحفه بودی، من نمی‌فهمیدم...
می گفتی کی می‌شود زهرا بیایی و ببینی نمی‌توانی بدن م